

## اول ماه مه، نمایانگر همبستگی طبقه کارگر برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری و برپائی سوسیالیسم

## طبقه کارگر، سیلی که خرابی به بار آورد و سیلی که باید آباد کند



زنده باد اتحاد و پیکار کارگران علیه نظم موجود!

پیدایش و توسعه شیوه تولید سرمایه‌داری در بطن جامعه فئودالی در سده‌های چهاردهم و پانزدهم، به تدریج در کشورهای گوناگون اروپایی، یک طبقه اجتماعی به نام طبقه کارگر را پدید آورد. در سده شانزدهم همپای گسترش و تحکیم صنعت مانوفاکتور بر تعداد کارگران افزوده شد. هرچند، به علت محدودیت تعداد مؤسسات بزرگ، هنوز تنها بخش کوچکی از کارگران در مانوفاکتورهای بزرگ مشغول به کار بودند. در

در صفحه ۳



سیل و خرابی‌های گسترده آن در ۱۵ استان از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور و خسارت‌های جانی و مالی فراوانی که برای مردم، بویژه اقشار زحمتکش و فرودست جامعه به بار آورد، یک بار دیگر ماهیت پلید رژیم ستمگر و جنایتکار جمهوری اسلامی و مثنی انگل و مفت‌خور که در تمام ۴۰ سال گذشته، تنها در فکر استثمار بیشتر و افزودن بر سودها و سرمایه‌های خود و دست‌اندرکار غارت و چپاول هر چه بیشتر ثروت‌های جامعه و پر کردن جیب‌های گشاد خود بوده‌اند، به نمایش گذاشت و مشت این زمامداران دزد و بی‌لیاقت و دشمن توده مردم را باز کرد.

امروز همه مردم ایران می‌دانند که مسبب اصلی خسارات جبران‌ناپذیر سیل، طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه است که هیچ‌گاه در اندیشه طبیعت و بحران محیط زیستی نبوده برعکس برای کسب سود بیشتر در تخریب طبیعت چنان پیش رفته است که در جهان امروز کمتر می‌توان نمونه آن را یافت. بی‌لیاقتی رژیم و بیگانگی آن با طبیعت و توده مردم، فقط در این نیست که به فرض پیش‌بینی‌های لازم را در این مورد انجام نداده و اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از این گونه حوادث یا دست کم کاهش خسارات آن را تدارک ندیده است، در ساخت‌وساز سدها مسائل کارشناسی را رعایت ننموده، مسیل‌ها را لایروبی نکرده، در مسیر

در صفحه ۲

## افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان و بازنشستگان توهین آشکار حاکمیت به زحمتکشان جامعه است

در صفحه ۱۲

## گسیل مزدوران اسلامی برای سرکوب توده های سیل زده

موسی غضنفر آبادی، رئیس دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۱۵ اسفند ۹۷ طی سخنانی در جمع طلاب مدرسه علمیه معصومه قم گفت: "اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراق، فاطمیون افغان، زینیبون پاکستان و حوثی‌های یمن خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد." آن روز که این عنصر آدمکش جمهوری اسلامی پروژه سرکوب توده های مردم ایران را به دست تروریست های حشد الشعبی در سر می‌پروراند، هرگز کسی فکر نمی‌کرد که هیات حاکمه ایران با چنین ستابی تروریست های اسلامی منطقه را برای سرکوب سیل زدگان بسیج کند. اما این فضاخت آشکار جمهوری اسلامی در کوتاه مدتی پس از آدای این سخنان نفرت انگیز از حلقوم غضنفر آبادی، به واقعیتی تلخ و گزنده برای مردم ایران تبدیل شد.

در صفحه ۷

## تعرفه‌های جدید و معضل هزینه‌های سنگین دارو و درمان

با اعلام تعرفه خدمات تشخیصی و درمانی در سال ۱۳۹۸، مسئله هزینه‌های سنگین درمان و نابسامانی درمان و دارو در ایران بار دیگر به یک موضوع مهم روز تبدیل شده است. هزینه‌های کمرشکن دارو و درمان یکی از معضلات مهم کارگران و زحمتکشان ایران است. هر سال صدها هزار تن از مردم ایران در نتیجه گرانی و نبود امکانات درمانی و پزشکی مناسب و خصوصی‌سازی درمان، فقیرتر می‌شوند و گروه کثیری نیز جان خود را از دست می‌دهند. این در حالی است که جمهوری اسلامی هم‌ساله میلیاردها دلار از حاصل دسترنج همین مردم را صرف هزینه ارگان‌های سرکوب نظامی و نهادهای مذهبی تحمیق معنوی می‌کند و سرمایه‌داران بخش درمان و دارو نیز میلیاردها تومان سود به جیب می‌زنند.

در صفحه ۶

## اطلاعیه مشترک اول ماه مه روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است

در صفحه ۸

## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۵

## طبقه کارگر، سیلی که خرابی به بار آورد و سیلی که باید آباد کند

تخریب شده، هزاران دام و طیور تلف شده و کارگران این واحدها نیز بیکار شده‌اند. در شهرک صنعتی شماره ۲ اهواز، چندین واحد بزرگ تولیدی به کلی تعطیل شده، تنها در کارخانه روغن‌کشی ۳۰۰ کارگر بیکار شده‌اند. ابعاد آسیب‌ها و خسارات و خرابی‌ها، همچنین آمار واقعی تعداد کارگرانی که کار خود را از دست داده‌اند بسیار بیشتر از این‌هاست. آب گرفتگی و تخریب ساختمان کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، بیکاری ده‌ها هزار تن و بسته شدن درجه تامین معاش چند ده هزار خانوار کارگری را در پی داشته است. خیرگزاری ایرنا شمار شاغلان استان‌های درگیر سیل را نزدیک به ۹ میلیون نفر گزارش نموده است. اما مقامات و منابع رسمی دولتی هنوز مشخص نکرده‌اند چه تعداد از کارگران پس از سیل شغل خود را از دست داده‌اند.

بی‌تفاوتی دولت و مقامات حکومتی در قبال این فجایع و بی‌توجهی آن‌ها نسبت به جان و مال و زندگی توده‌های زحمتکش آسیب‌دیده و لاقیدی فزون از حد آن‌ها در برابر تخریب واحدهای تولیدی و صنفی و بیکاری گسترده کارگران چنان آشکار بود و چنان نوری چشم می‌زد که حتا رسانه حکومتی ایلنا، ضمن اشاره به آسیب‌های جدی به مساله اشتغال در کل مناطق سیل‌زده و کارگرانی که سیل آن‌ها را بیکار ساخته است ۲۱ فروردین چنین اعتراف کرد: "برنامه‌ای برای حمایت از این کارگران وجود ندارد!"

دولت جمهوری اسلامی و مقامات حکومتی جز دادن برخی وعده‌های توخالی و سر خرمن و برخی اقدامات ناچیز، هیچ کاری برای کارگران و عموم توده‌های زحمتکش سیل‌زده انجام نداد. کریم یآوری مدیر کل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در روزهای پایانی سومین هفته جاری شدن سیل، چنین وعده داد، به کارگرانی که تحت پوشش قانون کار بوده‌اند و حداقل ۶ ماه حق بیمه پرداخت کرده‌اند، پس از بررسی پرونده آن‌ها، البته اگر به اداره کار مراجعه کنند. مقرری بیمه بیکاری که از حداقل مزد مصوب شورای عالی کار کمتر نخواهد بود پرداخت خواهد شد. این مقرری برای کارگران متاهل به مدت ۱۲ ماه و برای کارگران مجرد فقط برای ۶ ماه پرداخت خواهد شد.

صرف‌نظر از این‌که این بذر و بخشش وزارت کار آن هم از جیب سازمان تامین اجتماعی، در برابر صدمات و خسارت‌های سنگینی که سیل بر کارگران وارد ساخته، از جمله این‌که بسیاری از کارگران کل خانه و لوازم اندک زندگی خود را از دست داده‌اند، بسیار بسیار ناچیز و حقیرانه است، اما روشن است که اگر این وعده عملی شود تنها شامل بخش کوچکی از کارگران خواهد شد و شامل آن گروه از کارگران که در کارگاه‌های کوچک و صنف کار می‌کرده‌اند و مشمول قانون کار نمی‌شوند که رقم بزرگی را نیز تشکیل می‌دهند، نمی‌شود.

در مورد ساختمان کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی آسیب‌دیده نیز شکرالله شیرخانی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایلام می‌گوید: " برای بازگشایی صنایع و بنگاه‌های اقتصادی صدمه دیده، اعطای تسهیلات در



است که حتا پس از فرو نشستن کامل سیل نیز این زمین‌ها تا سال‌ها بعد به حالت اولیه و مناسب برای کشت باز نخواهد گشت. به زمین‌های متعلق به پنج کشت و صنعت شرکت توسعه نیشکر آسیب‌های جدی وارد شده و ۴۵ هزار هکتار زمین زیر آب رفته و به تاسیسات و کارخانه‌های مربوطه نیز آسیب‌های جدی وارد آمده است. قریب به ۲۰ هزار نفر در این شرکت‌ها مشغول به کار بوده‌اند که سیل کار و زندگی آن‌ها را مختل ساخته است. بخش مهمی از آسیب‌ها و خسارات، مربوط به کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و صنفی و تاسیسات اداری است. خسارت به حدی زیاد بوده است که به اعتراف ایلنا، رسانه حکومتی، موضوع اشتغال در کل مناطق سیل‌زده با مشکلات جدی روبرو شده است. وزیر صنعت و معدن در این مورد می‌گوید در استان گلستان به ۱۵۰۰ واحد صنفی و در مازندران ۳۰۰ واحد صنفی آسیب‌های جدی وارد شده است. تنها در شهرک صنعتی آق‌قلا حدود ۲۰۰ واحد تولیدی آسیب دیده و بیش از ۳ هزار کارگر بیکار شده‌اند. ۶۰ واحد مرغداری تخریب و کارگران این واحدها نیز کار خود را از دست داده‌اند و در مجموع به ۳۵۰۰ واحد صنفی در این استان آسیب‌های جدی وارد آمده است. در گنبد کاپوس سیل فعالیت ۳ واحد تولیدی با ۵۰۰ کارگر را خوابانده است. در "معمولان" و "پلدختر" دست کم ۵۳۰۰ کارگر از جمله ۱۳۰۰ کارگر ساختمانی بیکار شده‌اند و ۳۰۰ کارگر حتا خانه و کاشانه خود را نیز به کلی از دست داده‌اند. در لرستان ۳۰ کارگاه صنایع دستی و ۱۴ مزرعه پرورش ماهی

رودخانه‌ها ساخت و ساز کرده و هزینه‌ای را برای مقابله با چنین حوادثی پیش‌بینی ننموده است، بلکه همگان به چشم خود دیدند که حتا پس از وقوع حادثه و جاری شدن سیل نیز هیچ کاری انجام نداد و تنها برای تماشای سیل و خودنمایی به صحنه رفت!

بارش شدید و مستمر باران و بدنبال آن سیلی که در روزهای پایانی سال ۹۷ به راه افتاد و تا روزهای پایانی فروردین ۹۸ ادامه یافت، علاوه بر آن‌که جان ده‌ها نفر را گرفت و صدها مجروح و مصدوم بر جای گذاشت، هزاران خانوار را نیز آواره کرد. ده‌ها هزار هکتار اراضی مزروعی و باغات زیر خروارها گل و لای مدفون شد. بسیاری از روستاها بطور کامل زیر آب رفتند. صدها هزار خانه را غیرقابل سکونت ساخت. سیل احشام و طیور روستائیان را نیز در کام خود فرو برد. هزاران خانه در روستاها و حواشی رودخانه‌ها تخریب و با گل و لای اندود شدند. در برخی مناطق پلدختر، شدت سیل به حدی بود که ۱۱۰ خانه را به نحوی با خود برده که حتا یک آجر هم از این خانه‌ها باقی نمانده و حدود ۴ متر از خاک زیر خانه‌ها را نیز کنده و با خود برده است. سیل‌بندها، جاده‌ها، پل‌ها و بسیاری از مدارس، واحدهای صنفی و اقتصادی و کارگاه‌ها و برخی کارخانه‌ها نیز طعمه سیل شد.

ابعاد فاجعه بقدری وسیع و گسترده است که خسارات وارده را نمی‌توان تخمین زد. برای نمونه تنها در شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا در اهواز، بیش از ۱۲ هزار هکتار از اراضی این شرکت به نحوی در سیل فرو رفته



## اول ماه مه، نمایانگر همبستگی طبقه کارگر برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری و برپایی سوسیالیسم

این مناسبات تولیدی جدید، با آن که پرولتاریا هنوز توده نامتجانس و نامنسجمی بود، اما جوهر واحد استثمار سرمایه‌داری، کارگران را به طور جمعی در برابر سرمایه‌دار قرار می‌داد.

از آنجایی که سرمایه‌داران سود خود را از قبل تصرف ارزش اضافی‌ای که نیروی کار کارگر در روند تولید می‌آفریند، کسب می‌کنند، در این دوران انباشت اولیه می‌کوشند، از سویی، با هر چه طولانی‌تر کردن ساعات کار حتماً تا ۱۸ ساعت در روز، و از سویی دیگر با پرداخت دستمزدهای ناچیز بر حجم ارزش اضافی بیافزایند. همچنین در این دوران که به قول مارکس هنوز تبعیت کار از سرمایه به یک تبعیت واقعی تبدیل نشده بود، در کنار عوامل دیگر، از جمله لشکر بیکاران، فشار و قهر دولتی، ابزار دیگری برای تشدید استثمار بود و در این راه، قوانینی به منظور طولانی کردن روز کار، تثبیت دستمزدهای ناچیز و ممنوعیت اتحاد و تشکل‌های کارگری وضع می‌گردید.

در نتیجه‌ی این استثمار شدید و استفاده از قوه‌ی قهریه و وضعیت اسفبار کار و معیشت، همراه با مراحل گوناگون رشد و تکامل پرولتاریا، "مبارزه‌اش با زندگی آغاز" می‌گردید. (مانیفست حزب کمونیست) مبارزه‌ای که اشکال گوناگون به خود می‌گرفت، از شورش‌های کارگری در اعتراض به کمی دستمزد، ساعات کار طولانی و بیکارسازی تا ماشین‌شکنی. همچنین در جریان این مبارزات بود که کارگران به قدرت سلاح اعتصاب برای تحقق مطالبات خود در مبارزه علیه سرمایه پی بردند. گرچه اعتصابات در دوران مانوفاکتور نیز وجود داشت، اما با تکوین انقلاب صنعتی اعتصابات به سرعت رشد و گسترش یافتند و در مرحله‌ای به شکل عمده مبارزه اقتصادی طبقه کارگر تبدیل شدند. این شیوه مبارزه کارگران را قادر ساخت دستمزدها را در مواردی افزایش و ساعات کار را کاهش دهند.

مبارزات کارگران در مراحل اولیه، غریزی، خودبه‌خودی، محدود، محلی و منفرد بودند، اما به ویژه با انقلاب صنعتی که راه بر رشد غول‌آسای نیروهای مولد

همواره گردید و زمینه گذار از مانوفاکتور به صنعت ماشینی فراهم آمد، شکل اجتماعی تولید و نیاز به اتحاد و همبستگی در مبارزه، به رغم قوانین بازدارنده و مجازات‌های سنگین دولتی، نطفه‌های اولین تشکل‌های کارگری نضج گرفتند. در فاصله سده شانزدهم تا اواخر سده هجدهم، کارگران توانستند تشکل‌هایی را ایجاد کنند که در ابتدا مخفی بودند یا به شیوه‌های نظامی سازمان می‌یافتند. هر چند این اتحادها در مراحل اولیه تکامل طبقه کارگر، به علت سطح پایین آگاهی، رقابت و ناهمگونی این اتحادها به سرانجامی نمی‌رسید و اشکال پایدار به خود نمی‌گرفتند.

سده هجدهم و نوزدهم را می‌توان دوران شکل‌گیری تشکل‌های کارگری نامید که از درون آن‌ها اتحادیه‌ها پدید آمدند. اتحادیه‌هایی که در آغاز صنفی، محدود و کوچک بودند، اما به مرور با ارتقای سطح تجربه و آگاهی کارگران با یکدیگر ارتباط برقرار کردند و دست به عمل مشترک علیه سرمایه‌داران زدند. پیدایش اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف، گام بسیار مهمی در زمینه تشکل کارگران و مبارزه متحد و مشترک آنان علیه سرمایه بود. کارکردهای این اتحادیه‌ها در مجموع دفاع و حمایت از کارگران در برابر سرمایه‌داران، از جمله سازماندهی اقدامات اعتراضی برای افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار بود.

این روند نه تنها در اروپا، بلکه در آمریکا نیز طی شد. از سال‌های ۹۰ سده هجدهم اتحادیه‌های جدیدی در آمریکا شکل گرفتند و به رغم قوانین ضد اتحادیه‌ای، کارگران اتحادیه‌های خود را سازمان دادند. از همان آغاز شکل‌گیری و تکوین سرمایه‌داری، کاهش ساعت کار، یکی از عرصه‌های جدال میان کارگران و کارفرمایان بود. در توضیح اهمیت این امر برای کارگران، گزارش رسمی شورای عمومی در نخستین کنگره انترناسیونال اول که توسط مارکس تهیه شده بود، با توضیح این مسئله که محدود ساختن کار روزانه برای حفظ سلامتی و احیای انرژی جسمانی کارگران، امکان تکامل معنوی، مراد اجتماعی و عمل اجتماعی و سیاسی ضروری است، تأکید می‌کرد که بدون این محدود نمودن کار روزانه، هر

گونه تلاش بیشتر برای بهبود و رهایی بی‌ثمر است. لذا گزارش، پیشنهاد "۸ ساعت کار را به مثابه حد قانونی روزانه کار" ارائه می‌داد و همچنین می‌افزود که "این حد، به طور کلی توسط کارگران ایالات متحده آمریکا اعلام شده است. رأی کنگره، آن را به پلتفرم مشترک طبقات کارگر سراسر جهان تبدیل خواهد کرد".

گزارش به مصوبه کنگره سال ۱۸۸۴ فدراسیون سندیکای صنعتی و تجاری آمریکا برای برپایی جنبشی گسترده و عمومی برای محدود کردن ساعات اجباری کار روزانه اشاره می‌کند. تدارک عملی این جنبش نزدیک به ۱۸ ماه به درازا کشید و بسیاری از سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری و سوسیالیستی به همکاری و همگامی با آن جلب شدند. سرانجام، به کارفرمایان اولتیماتوم داده شد که اگر تا اول ماه مه ۱۸۸۶ به این خواسته گردن نگذارند، در این روز با اعتصاب کارگران مواجه خواهند شد. با بی‌اعتنایی کارفرمایان، روز اول ماه مه ۱۸۸۶ چند صد هزار کارگر دست به اعتصاب زدند.

بخشی از کارگران در شهرهای مختلف توانستند خواسته‌ی خود را بر سرمایه‌داران تحمیل کنند، اما در شیکاگو پلیس در جریان این اعتصاب، ۶ تن از کارگران را کشت و ده‌ها تن را زخمی کرد. با وجود این کارگران از مبارزه دست نکشیدند و روز چهارم ماه مه در میدان اصلی شهر (هی‌مارکت) دست به تجمع زدند. در این میان فردی ناشناس بمبی به میان افراد پلیس پرتاب کرد که یک تن را کشت و چند تن دیگر را زخمی کرد. در نتیجه نیروی سرکوبگر پلیس شیکاگو که تظاهرکنندگان را محاصره کرده بود به روی کارگران آتش گشود و شمار زیادی از کارگران را زخمی

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## اول ماه مه، نمایانگر همبستگی طبقه کارگر برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری و برپایی سوسیالیسم

نمایانگر اراده‌ی طبقه کارگر برای نابودی تمایزات طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد. "و برای نیل به این هدف بود که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست که در سال ۱۸۴۷ برای اتحادیه کمونیست‌ها تهیه کرده بودند شعار "پرولترهای جهان متحد شوید" را جایگزین شعار قدیمی اتحادیه، یعنی "انسان‌ها همه با هم برابرند" کرد.

باری، اکنون که نزدیک به ۱۲۹ سال از برگزاری اولین "روز جهانی کارگر" می‌گذرد، تاکنون هر ساله کارگران سراسر جهان، روز اول ماه مه را با تظاهرات، راهپیمایی و گردهمایی جشن گرفته و بر عزم استوار خود در مبارزه برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری و برپایی نظمی سوسیالیستی پای فشرده‌اند.

طبقه کارگر ایران نیز که جزئی جدائی‌ناپذیر از ارتش بزرگ کارگران جهان است، به‌رغم حاکمیت رژیم‌های دیکتاتوری عریان و استبدادی، همواره کوشیده است در اول ماه مه همبستگی خود را با اردوی بی‌شمار کار جهانی نشان دهد. سی سال پس از تعیین این روز، در سال ۱۳۰۰، اولین گردهمایی روز جهانی کارگر توسط "شورای مرکزی فدراسیون سندیکاهای کارگری" برگزار شد. در سال ۱۳۰۷، سازمان‌های کارگری با برپایی مراسم اول ماه مه، خواستار "آزادی اعتصاب"، "آزادی اجتماعات"، "روزکار هشت ساعته" و "ممنوعیت کار کودکان" شدند. این روند کم و بیش تا سال ۱۳۱۰ ادامه یافت. در این سال با تصویب قانون "مقابله با مرام اشتراکی" توسط حکومت رضا شاه، و تشدید تعقیب و پیگرد فعالان کارگری و حزب کمونیست، برگزاری این روز به طور علنی ناممکن شد و کارگران به برگزاری مخفی این روز روی آوردند. پس از سقوط رضا شاه، در سال ۱۳۲۳، با تأسیس "شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران" مجدداً از سال ۱۳۲۴ برگزاری جشن‌های اول ماه مه پی گرفته شدند. در سال ۱۳۲۵ در تهران ۶۰ هزار نفر در راهپیمایی روز کارگر شرکت داشتند. در خوزستان کارگران خواهان "۸ ساعت کار"، "افزایش دستمزد"، "بهبود وضعیت مسکن"، "حقوق

و دستگیر کرد. از میان این رهبران کارگری دستگیرشده، چهار تن به جوخه اعدام سپرده شدند و شماری دیگر به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند. انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹، در نخستین اجلاس خود، به منظور ابراز همبستگی با مبارزات کارگران شیکاگو به خاطر ۸ ساعت کار روزانه و تحکیم هر چه بیشتر پیوند اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان، روز اول ماه مه را روز جهانی کارگر اعلام کرد و تصمیم گرفت که در اول ماه مه ۱۸۹۰، کارگران کشورهای مختلف جهان، همزمان حول مطالبه ۸ ساعت کار روزانه، راهپیمایی و تظاهرات برپا کنند.

اما مطالبه ۸ ساعت کار، تنها علت نامگذاری این روز به نام "روز جهانی کارگر" نبود. در انقلابات بورژوایی علیه نظم فئودالی، طبقه کارگر که در مراحل اولیه رشد به سر می‌برد و طبیعتاً تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا هنوز انکشاف نیافته بود، به عنوان بخشی از جنبش همگانی تهیدستان شهری نقش مهمی ایفا کرد. اما این طبقه به رغم آن که فاقد آگاهی، تشکل و استقلال طبقاتی بود، خواسته‌های مبهم تساوی‌طلبانه‌ای نیز در سر می‌پروراند. آنان انتظار داشتند در پی انقلاب، با برقراری نظمی نوین از فقر رها گشته و به برابری دست یابند. اما پس از به قدرت رسیدن بورژوازی و سپری گشتن دوران انقلابی، پرولتاریا به عین به عدم تحقق مطالباتش در چارچوب نظم بورژوایی پی برد.

این واقعیات، همراه با رشد تضاد میان کار و سرمایه و تکوین آگاهی طبقاتی، در نیمه اول سده نوزدهم پرولتاریا را تدریجاً به سوی اقدامات سیاسی مستقل سوق داد. در دهه‌های سی و چهل این سده، جنبش سیاسی مستقل پرولتاریا شکل گرفت. مارکس و انگلس، پیشوایان سوسیالیسم علمی نیز در این دوره است که در مبارزه‌ای نظری و عملی سوسیالیسم علمی را جایگزین آرزوها، طرح‌ها و ایده‌های تخیلی می‌کنند. به این ترتیب، طبقه کارگر به سلاح تئوری طبقاتی خود نیز مجهز می‌گردد. از این‌روست که انگلس می‌نویسد: "تظاهرات اول ماه مه به خاطر هشت ساعت کار روزانه باید ضمناً

روزهای جمعه" و "تدوین قانون جامع کار" شدند. در کرمانشاه در همین روز شش کارگر به دست پلیس کشته شدند.

پس از کودتای ۱۳۳۲، در پی برقراری مجدد خفقان و سرکوب و با دستگیری فعالین کارگری و چپ، باز برگزاری مراسم اول ماه مه به محافل خانوادگی و اشکال مخفی بازگشت. این روند تا اول ماه مه، ۵۷ ادامه یافت. در این روز، صدها نفر از کارگران در خیابان‌های تهران به راهپیمایی پرداختند تا همبستگی خود را با مبارزات عمومی و سراسری به نمایش بگذارند. پس از پیروزی قیام بهمن ۵۷، در اول ماه مه سال ۵۸ در تظاهرات که باشکوه‌ترین و بزرگترین گردهمایی کارگران در تاریخ معاصر ایران بود، بیش از نیم میلیون نفر شرکت کردند. گذشته از تهران تقریباً در تمامی شهرهای ایران نیز روز جهانی کارگر با برپایی دهه مراسم و راهپیمایی جشن گرفته شد. در سال‌های ۵۹ و ۶۰ نیز در فضای دستاوردهای پس از قیام، مراسم اول ماه مه علنی برگزار شدند. با آغاز تهاجم همه جانبه‌ی حکومت اسلامی در سال ۶۰، بار دیگر برگزاری علنی مراسم اول ماه مه امکان‌ناپذیر گشت. اما، کارگران و فعالان کارگری به برگزاری مراسم‌ها و تجمعاتی هرچند کوچک و محدود و بزرگداشت این روز به شکل مخفیانه ادامه دادند. این وضعیت عمدتاً تا دهه هشتاد ادامه یافت. سیاست رژیم در نیمه دوم هفتاد و دهه هشتاد، منع و سرکوب جشن هر گونه مراسم مستقل اول ماه و اجرای یک رشته مراسم فرمایشی توسط خانه کارگر بود. اما در این دهه، با بالا گرفتن روحیه اعتراضی کارگران، به رغم تمام بگیربندهای کارگران پیشرو و فعالین کارگری، پیش و پس از اول ماه مه، کارگران در برگزاری

در صفحه ۵

## زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

"بازداشت امدادگران مردمی نشانه اوج فضااحت جمهوری اسلامی است" عنوان اطلاعیه‌ای است که سازمان ما در ۲۶ فروردین ۱۳۹۸ انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است:

"بامداد روز یکشنبه ۲۵ فروردین با یورش نیروهای امنیتی به مرکز کمیته مردمی در ملاشیه اهواز، بیش از ۲۵ نفر از امدادگران مردمی توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده اند. منابع نزدیک به فعالان عرب در اهواز اعلام کرده اند که دستگیرشدگان، تماماً از اعضای کمیته های مردمی امدادسانی به سیل زدگان بودند. این افراد پس از ایجاد و استحکام یک سیل بند، در منزل یکی از اعضای کمیته مردمی اهواز در حال استراحت بودند که توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اهواز محاصره و بازداشت شدند.

علاوه بر این، روز شنبه ۲۴ فروردین نیز دست کم ۵ نفر از شهروندان اهوازی به دلیل شرکت در تجمعی که در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت نابسامان مناطق سیل زده در اهواز صورت گرفته بود، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. چند روز پیشتر نیز، فرمانده پلیس فضای مجازی خوزستان نیز از دستگیری و معرفی ۲۴ تن به اتهام "نشر اخبار منحرف" از سیل به مراجع قضایی خبر داده بود.

همزمان با دستگیری امدادگران مردمی در مناطق سیل زده، تعدادی از فعالان جنبش زنان که روز هشت مارس، روز جهانی زن اقدام به پخش گل در مترو تهران کرده بودند، توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی دستگیر شده اند."

اطلاعیه می‌افزاید:

"رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در شرایطی به بازداشت فعالین زنان و امدادگران مردمی روی آورده است که ناقوس ورشکستگی، بی‌کفایتی و ناکارآمدی آن در تمام عرصه ها و به طور اخص در امدادسانی به مردم سیل زده در هر کوی و برزنی به صدا در آمده است. نهادهای دزد و فاسد جمهوری اسلامی که خود قادر به انجام هیچگونه اقدامات جدی برای حل مشکلات آوارگان سیل زده نیستند، مانع تلاش و فعالیت کمیته های امدادسانی مردمی در یاری رساندن به مردمان سیل زده نیز شده اند. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از سپاه و بسیج گرفته تا پلیس و لباس شخصی های امنیتی رژیم، این روزها در مناطق سیل زده، بجای کمک به سیل زدگان و آوارگان با راه انداختن مانور نظامی بر زخم هایشان نمک پاشیده اند."

در پایان این اطلاعیه نیز آمده است:

"سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن انزجار عمیق از اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در مناطق سیل زده، عموم توده های مردم ایران را به تجمعات اعتراضی جهت آزادی سریع و بی قید و شرط فعالین زنان و همه امدادگرانی که طی روزهای اخیر دستگیر شده اند، فرا می‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ایجاد کمیته های امداد رسانی مردمی را موثرترین ابزار کمک رسانی به آوارگان سیل زده می‌داند و همگان را به ایجاد چنین کمیته های در مناطق سیل زده ترغیب می‌کند."

## اول ماه مه، نمایانگر همبستگی طبقه کارگر برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری و برپائی سوسیالیسم

دو تشکل دیگر انتشار یافت.

مطالبات کارگران در تمامی بیانیه‌ها و قطعنامه‌های این سال‌ها آمیزه‌ای از خواسته‌های سیاسی و اقتصادی بودند. خواسته‌هایی همچون آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، آزادی تشکل، اعتصاب، راهپیمائی، آزادی بیان، لغو قوانین تبعیض‌آمیز و محدودیت اشتغال زنان، پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر زن و مرد، برخورداری کارگران مهاجر از حقوق کامل شهروندی، افزایش دستمزد متناسب با نرخ واقعی تورم، پرداخت به موقع دستمزدها، امنیت و تضمین شغلی، منع اخراج‌ها و بازگشت به کار کارگران اخراجی، تأمین بیمه‌های اجتماعی، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و پیمانی، انعقاد قرارداد مستقیم و استخدام رسمی.

با آن که روند برگزاری مراسم اول ماه مه در چند سال اخیر به سطح سال‌های پیش از ۹۲ نرسیده است، اما باید اذعان داشت طی این سال‌ها، کمتر روزی بدون یک یا چند اعتصاب بزرگ و کوچک در سراسر ایران سپری شده است. مبارزات طبقه کارگر به ویژه در سال‌های ۹۶ و ۹۷ با اعتلای بی‌سابقه و ویژه‌ای روبرو بود. در این سال‌ها شاهد اعتصابات متعدد چند صد نفره و چند هزار نفره و اعتصابات سراسری بودیم. تنها نگاهی به اعتصابات و راهپیمایی‌های شکوهمند کارگران فولاد ملی اهواز و نیشکر هفت‌تپه در سال ۹۷ و دستاوردهای این مبارزات پرشکوه برای کل کارگران و زحمتکشان ایران کافی‌ست تا نه تنها انسجام رشدیابنده و نضج و انکشاف آگاهی طبقه کارگر را به اثبات برساند، بلکه، به رغم تمام کاستی‌های کنونی، "نمایانگر اراده‌ی" این طبقه "برای نابودی تمایزات طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی" است.

این روز گام‌های بزرگی به پیش برداشتند. در سه سال نخست دهه ۸۰، کارگران به رغم برگزاری مراسم‌های مستقل اول ماه مه در اشکال متنوع و عمدتاً به صورت مخفی یا نیمه علنی در پارک‌ها، بیرون شهرها یا در سالن‌ها و جمع‌ها و محفل‌های بسته و محدود، کوشیدند این مراسم را در محیط‌های بازتر و در میان جمع‌های پرشماری برگزار کنند. از این‌رو، به طور تاکتیکی مراسم رسمی خانه کارگر را به فرصتی برای طرح مطالبات و شعارهای کارگری بدل کردند. این روند تا سال ۸۷ ادامه داشت. در این سال تشکل دولتی خانه کارگر، و زخم‌خورده از مراسم سال پیش که کنترل آن به دست فعالین و تشکل‌های کارگری مستقل افتاده بود، تا آخرین لحظه مکان و زمان دقیق برگزاری مراسم را اعلام نکرد. در نتیجه در این سال مراسمی برگزار نشد. جمع‌بندی این تجربه، به افزایش تحرکات و تلاش‌ها برای برگزاری مراسم مشترک اول ماه مه از سوی تشکل‌ها و فعالین کارگری به شکل مستقل انجامید. در سال ۸۸، آنان با تشکیل کمیته مشترکی به نام "کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه" برگزاری مراسمی واحد در پارک لاله تهران را فراخوان دادند. قطعنامه ۱۵ ماده‌ای این تشکل‌ها نیز با مضمونی کاملاً رادیکال و ضد سرمایه‌داری و با جهت‌گیری انترناسیونالیستی تنظیم شده بود. روندی که کم و بیش تا سال ۹۲ ادامه یافت.

از دستاوردهای دهه هشتاد، شکل‌گیری تشکل‌ها و کمیته‌های و جمع‌های کارگری از جمله اعلام موجودیت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در سال ۱۳۸۴ و سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه در سال ۱۳۸۷ است. از دستاوردهای دیگر، برگزاری مراسم اول ماه مه، نزدیکی و همگرایی بیشتر تشکل‌های کارگری در طی این سال‌ها بوده است. در این دهه همچنین شاهد تفوق اندیشه‌های سوسیالیستی بر این جنبش نوپا اما از سویی دیرپای کارگری بودیم. خواندن سرود انترناسیونال در برخی از این مراسم‌ها و بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی که در آن‌ها صادر شد نه تنها حاوی خواسته‌های فوری کارگران ایران بود بلکه بر خواست و اراده‌ی آن‌ها بر ضرورت تحولات اجتماعی نیز تأکید می‌ورزیدند. این روند تا سال ۹۲ ادامه داشت. در این سال، اما، دیگر نه خیری از اتحاد عمل‌ها و قطعنامه‌های مشترک بود و نه گلگشتی به وسعت سال‌های پیش. تنها در یک مورد بیانیه مشترکی با امضای سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و



## تعارف‌های جدید و معضل هزینه‌های سنگین دارو و درمان

به کاهش کیفیت خدمات درمانی و تعطیلی بسیاری از واحدهای خدمات سلامت و تنش‌های ناشی از آن خواهد شد. منصور جعفری نمین عضو هیئت‌رئیس مجمع عمومی نظام پزشکی کشور نیز در دفاع از بخش خصوصی گفت: "در صورت ادامه این روند، جامعه پزشکی به‌ویژه بخش خصوصی دچار آسیب و زیان می‌شود به‌طوری‌که برخی از مراکز امکان ادامه کار را نداشته باشند." وی افزود: "روز مجدد زیرمیزی را از جمله مشکلات احتمالی تعرفه‌های نامناسب دانست." البته باید گفت که پدیده زیرمیزی چیز جدیدی نیست و در این سال‌ها همواره وجود داشته است.

اما برخلاف این اظهارات، یک عضو شورای عالی نظام پرستاری در گفتگو با ایلنا، گفت: با افزایش تعرفه‌های سال جدید، شکاف تعرفه‌های بخش دولتی و خصوصی به بیش از ۴ برابر رسید.

"علی‌نسی با اشاره به اینکه قرار بود، تفاوت تعرفه‌های خصوصی و دولتی ۲ برابر باشد، تأکید کرد: وقتی درصد افزایش امسال را نگاه کنید، می‌بینیم که تفاوت، معنادار است. با زهره تفاوت قائل شدن بین تعرفه‌های پزشکی و پرستاری، تفاوت در تعرفه خصوصی و دولتی از دو برابر به ۴ برابر و بیشتر رسیده است. متأسفانه بخش خصوصی با لابی که دارد، به دنبال سوداگری و سودآوری است. پزشکان می‌گویند بخش خصوصی اصلاً سودآور نیست. اما دقت کنیم می‌بینیم که به‌شدت به دنبال سهام بیمارستان خصوصی هستند چراکه به‌شدت برایشان سودآور است."

وی افزود: "در بخش خصوصی که یک عمل جراحی انجام می‌شود، جراح همان خدماتی را ارائه می‌کند که جراح بخش دولتی انجام می‌دهد... تنها تفاوت اصلی بخش دولتی و خصوصی در ارائه خدمات بخش هتلینگ آن است و بقیه موارد به دلیل ماهیتی که اصول درمانی دارند، در بیشتر موارد یکسان است و اصولاً نمی‌توان از درمان بیمار کم گذاشت و به همین جهت هزینه‌های بخش دولتی و خصوصی تفاوت چندانی ندارد."

خبرگزاری دولتی تسنیم نیز در گزارشی از افزایش ۳۳۰ درصدی دریافتی پزشکان با اجرای طرح تحول سلامت خبر داد و نوشت: هرچند برخی معتقدند افزایش هزینه‌های دولت و بیمه‌ها به‌واسطه اجرای طرح تحول سلامت برای مردم بوده و دستمزد پزشکان افزایش نداشته اما آمار هزینه‌های سازمان بیمه سلامت ایران نشان می‌دهد دریافتی پزشکان با اجرای این طرح حدود ۳۳۰ درصد افزایش داشته است!

در ایران ظاهراً بیش از ۳۰ میلیون نفر تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارند و رقمی بین ۷ تا ۱۲ میلیون فاقد هرگونه بیمه درمانی هستند. مدیرعامل بیمه سلامت ایران تعداد کسانی را که تحت پوشش هیچ‌گونه بیمه‌ای نیستند هفت میلیون نفر اعلام کرد.

خبرگزاری تسنیم می‌افزاید: "طبق آمار سازمان بیمه سلامت، هزینه بستری این سازمان در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۱۱۵ میلیارد تومان بود که این هزینه در سال ۱۳۹۵ به ۷۳۱۷ میلیارد تومان رسید؛ در واقع هزینه بستری سازمان بیمه سلامت

نوبت برای عمل برسد، برای رسیدگی سرپائی نیز ساعت‌ها باید در انتظار ماند. کمبود تخت‌های بیمارستانی باعث شده که یک بیمار ماه‌ها منتظر خالی شدن بک‌تخت بماند. گاه حتی برای یک عمل اورژانسی تخت خالی وجود ندارد و بیمار فوت می‌کند.

تعداد تخت‌های بیمارستانی در ایران ۱۳۰ هزار و برای هر هزار نفر حدود دو و نیم است. این رقم در برخی کشورها از نمونه ژاپن ۱۴ و در اروپا بین ۶ تا ۸ است. برای کشوری مثل ایران که مردم با بیماری‌های متعدد روبه‌رو هستند حتی ۱۰ تخت به ازای هر هزار نفر نیز کافی نیست. تازه به‌اندازه همین تخت موجود هم، امکانات و پرستار ضروری وجود ندارد. حتی لوازم و برخی از وسایل درمان را نیز خود بیمار باید از خارج از بیمارستان تهیه کند و ده‌ها معضل دیگر. در این بیمارستان‌ها، کمبود پرستار واقعی است که همگان به آن واقف‌اند. این کمبود باعث می‌شود که هر پرستاری مراقبت از چندین بیمار را خارج از استانداردهای مرسوم بین‌المللی عهده‌دار شود که این نیز مکرر به مرگ بیماران انجامیده است.

نایب‌رئیس شورای عالی نظام پرستاری در بهمن‌ماه سال ۹۶ گفت بر اساس شاخص جهانی ۲۳۰ هزار پرستار کم داریم. این کمبود یعنی سطح نازل خدمات درمانی، مرگ بیماران، اضافه‌کاری و فرسودگی پرستاران با حقوق نازل. این‌همه کمبود و نابسامانی درمانی، در نهایت به این معناست که دولت تلاش می‌کند لاقابل‌بخشی از این بیماران را به‌سوی بخش درمان خصوصی با هزینه‌های کمرشکنی که زندگی بیماران را تباه می‌کند و فقر وحشتناکی را به آن‌ها تحمیل می‌کند، سوق دهد. مقامات وزارت بهداشت و درمان کابینه ادعا می‌کنند در دوره روحانی ۱۲ هزار تخت بیمارستانی بر تخت‌های موجود افزوده شده است. تا جایی که این تعداد به بیمارستان‌های دولتی مربوط می‌شود وضع خدمات بیمارستانی و کمبود پرستار نهایتاً بهبود نیافته، بلکه بدتر شده است.

به‌رغم تمام مشکلاتی که این سیستم درمان و پزشکی به مردم تحمیل کرده است، تعرفه‌های درمان هم مدام افزایش می‌یابد. البته افزایش هزینه‌های درمان فقط محدود به افزایش تعرفه‌ها نیست و ده‌ها هزینه جنبی آن از دارو گرفته تا هزینه‌های درون بیمارستان و غیره نیز بر آن افزوده می‌گردد.

در سال جاری، دولت تعرفه‌های پزشکی را در بخش دولتی ۱۰ درصد و در بخش خصوصی ۱۳ درصد افزایش داده است. باین‌همه رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور به تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی سال ۹۸، اعتراض کرده و خواستار اصلاح آن از سوی هیئت دولت شده است. وی در نامه خود نوشته است: تعرفه‌های ابلاغی دولت به‌هیچ‌وجه با رشد هزینه‌ها و تورم تطابق ندارد و تهدید کرد که اجرای این روند قطعاً منجر

به گفته معاون وزیر بهداشت، هم‌اکنون پرداختی از جیب برای هزینه‌های پزشکی به ۳۵ درصد رسیده است. بر طبق ارزیابی‌های رسمی و دولتی هم‌ساله ده‌ها هزاران تن از توده‌های فقیر مردم ایران فقط در نتیجه هزینه‌های سنگین این بخش فقیرتر می‌شوند. تعرفه‌های درمان برای مردم فقیر چنان سنگین است که گروهی از مردم از آنجائی که قادر به پرداخت ویزیت نیستند، برای تهیه داروی بدون نسخه به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند و عنوان می‌کنند توان پرداخت ویزیت ۵۰ و ۷۰ هزارتومانی را ندارند.

موسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی، "بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران و دیگر شواهد علمی" می‌گوید: اگر در سال ۹۴ از کل جمعیت ۷۹ میلیونی ایران با درآمد روزی ۴ دلار، کمی بیش از ۴ میلیون زیرخط فقر بوده باشند، رقمی حدود ۶۰۰ هزار نفر از بابت هزینه‌های پزشکی زیرخط فقر رفته‌اند.

بر طبق محاسبات این موسسه، "... زمانی که خط فقر برای درآمد روزانه ۴ واحد پول بین‌المللی تعیین شود، نرخ کلی فقر در سال ۱۳۹۴ معادل ۵.۴ درصد و میزان بروز هزینه فقرزای سلامت برابر ۰.۸ درصد می‌شود. این اعداد نشان می‌دهند که پرداخت از جیب خانوار برای هزینه‌های سلامت سبب شده خط فقر کلی از ۴.۴ درصد به ۵.۴ درصد برسد. با برآورد جمعیت ۷۹ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴، کل افرادی که زیرخط فقر بین‌المللی (با احتساب درآمد روزانه ۴ واحد پول بین‌المللی) زندگی می‌کرده‌اند، برابر ۴.۲۶۶.۰۰۰ نفر بوده است که از این تعداد ۶۳۲.۰۰۰ نفر به علت پرداخت هزینه‌های سلامت به زیرخط فقر رفته‌اند."

در طول سه سال گذشته نیز نهمین بیهودی در کاهش این هزینه‌ها رخ نداده، بلکه به‌ویژه در یک سال گذشته شدیداً افزایش یافته‌اند.

سیاست جمهوری اسلامی و کابینه روحانی که خصوصی‌سازی بخش آموزش و بهداشت و درمان را در دستور کار قرار دارد، کاهش بودجه بهداشت و درمان و تقویت بخش خصوصی در این سال‌ها بوده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جریان بررسی لایحه بودجه در خصوص تأمین بودجه سال ۹۸ حوزه سلامت، گفت: "۳۵ هزار میلیارد تومان، کل اعتبارات بهداشت و درمان در بودجه سال آینده است که از این مبلغ حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان مربوط به دانشگاه‌ها است که حدود ۴۶۰ هزار نفر پرسنل دارد و این مبلغ، هزینه امور جاری بهداشت، هزینه امور جاری بیمارستان‌ها و درمان و حقوق پرسنل را دربرمی‌گیرد."

با این بودجه ناچیز کمتر کسی است که از وضعیت اسفبار مراکز درمانی بخش عمومی و دولتی بی‌اطلاع باشد. با تمام هزینه‌ای که برای خدمات پزشکی و درمانی به مردم تحمیل می‌شود، امکانات درمانی مدام محدودتر شده است. یک بیمار باید مدت‌ها منتظر بماند تا

## گسیل مزدوران اسلامی برای سرکوب توده های سیل زده

بارش شدید باران و راه افتادن سیل ویرانگر در بسیاری از مناطق کشور، همانند جنگ ارتجاعی هشت ساله میان جمهوری اسلامی و عراق برای هیات حاکمه ایران "نعمتی" شد تا به بهانه امداد رسانی، آدمکشان جیره خوار خود را از کشورهای منطقه به مناطق سیل زده گسیل کند. طی دو هفته گذشته به جز حوثی های یمن، بقیه اجیرشدگان جمهوری اسلامی از مزدوران آدمکش حشد شعبی عراق گرفته تا فاطمیون افغان، از حزب الله لبنان گرفته تا زینبیون پاکستان جملگی توسط قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس- واحد برون مرزی سپاه پاسداران- به استان های خوزستان و لرستان اعزام شده اند. مزدورانی که ظاهراً به بهانه امداد رسانی به مناطق سیل زده آورده شده اند، ولی در حقیقت برای سرکوب و چنگ و دندان نشان دادن به توده های آواره و خشمگین مناطق سیل زده سازماندهی شده اند. انتشار گزارشات میدانی، واکنش های اعتراضی توده های مردم و پخش فیلم هایی از درگیری این مزدوران با زنان و مردان در خیابان های شهرهای سیل زده، همگی گویای حضور سرکوبگرانه آنان در مناطق سیل زده است.

سیل ویرانگری که از اولین روزهای بهاری در اغلب استان های کشور به راه افتاد، شرایط بسیار غم انگیزی را برای توده های سیل زده ایجاد کرده است. کشته شدن دست کم ۷۶ نفر در میان امواج خروشان سیل، ویرانی ۳۰ هزار واحد مسکونی، تخریب ده ها پل و هزاران کیلومتر جاده شهری و روستایی، به زیر آب رفتن ده ها هزار هکتار از زمین های کشاورزی، باغ های میوه و دام و طیور روستائیان، همراه با آوارگی و بی خانمانی ده ها هزار تن از مردم سیل زده از جمله عوارض اولیه جاری شدن سیلاب در استان های مختلف کشور بوده است.

خسارات مالی و جانی وارده بر مردم، بی کفایتی و عدم کارایی لازم دستگاه های حکومتی در امداد رسانی به مردم سیل زده، پخش مکرر گزارشات دروغ از صدا و سیمای جمهوری اسلامی، حضور نمایشی و مشمزز کننده فرماندهان سپاه و دیگر مسئولان حکومتی در میان مردمان مستاصل و اعمال توهین و بدرفتاری آنان در مواجهه با توده های آواره و بی خانمان، آنچنان زمینه های اعتراض و انفجار گونه ای را در میان آسیب دیدگان سیل زده فراهم کرده است که مجموعه هیات حاکمه ایران، از راه افتادن سیل خروشان اعتراضات مردمی در شهرها و استان های سیل زده به وحشت افتاده اند.

مسئولان جمهوری اسلامی که این روزها گسیل نیروهای تروریست حشد الشعبی و دیگر مزدوران اسلامی به خوزستان را تحت پوشش امداد رسانی توجیه کرده اند، همان تبهکارانی هستند که نه تنها مانع تلاش و فعالیت کمیته های امداد رسانی مردمی در یاری رساندن به مردمان سیل زده شده اند، بلکه ده ها تن از این امداد رسانان مردمی را که با تلاشی شبانه روزی

برای ایجاد سیل بند و کمک رسانی به آوارگان سیل زده در جد و جهد بودند، به اتهام "نشر اخبار منحرف" و "تشویش اذهان عمومی" دستگیر و راهی زندان و بند کرده اند. مسئولان رژیم، همان عناصر دزد و فاسدی هستند که از دیر باز ناقوس ورشکستگی، بی کفایتی و ناکارآمدی آن ها در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به طور اخص بی لیاقتی آنان در امداد رسانی به مردمان آواره و سیل زده اکنون در هر کوی و برزن به صدا در آمده است. همان مسئولان بی کفایت و نهادهای دزد و فاسدی که خود قادر به انجام هیچگونه اقدامات جدی برای حل مشکلات و یاری رساندن به آوارگان سیل زده نیستند، همان هایی که امداد رسانان مردمی را از یاری رساندن به سیل زدگان باز داشته و تعدادی از آنان را دستگیر و راهی زندان کرده اند، اکنون بی شرمانه مدعی شده اند که آدمکشان و جیره خواران مزدور خود را برای امداد رسانی به آوارگان سیل زده بسیج کرده اند. این یک دروغ آشکار است که توده های مردم ایران هرگز به آن باور ندارند.

پوشیده نیست گسیل گروه های اسلامی، خصوصاً سازماندهی آدمکشان حشد الشعبی عراق در خوزستان و فاطمیون افغان در استان لرستان همانگونه که موسی غضنفرآبادی، رئیس دادگاه انقلاب تهران پیش از این از به کاری گیری این نیروها خبر داده بود، بخشی از پروژه اقدامات سرکوبگرانه طبقه حاکم در مواجهه با سیل زدگان معترض و خشمگین است. حضوری که هم چنین می تواند یک تست و تمرین اولیه برای روزهای بحرانی تر جمهوری اسلامی باشد. تمرینی برای سرکوب، کشتار و رو در رویی آشکار این آدمکشان مزدور در مواجهه با اعتراضات عمومی کارگران و توده های زحمتکش ایران در انقلاب آتی. همان اعتراضات وسیع توده ای که در دیماه ۹۶ در صد شهر ایران شکل گرفت و از آن زمان تاکنون، کابوس شکل گیری عصیان عمومی کارگران و زحمتکشان ایران خواب ستمگران جمهوری اسلامی را آشفته کرده است.

با این همه و با وجود اینکه هیچ شبهه ای در گسیل نیروهای شبه نظامی حشد الشعبی عراق و دیگر مزدوران اسلامی منطقه برای مقابله با اعتراضات توده های سیل زده نیست، چرا رژیمی همانند جمهوری اسلامی که خود از انبوه نیروهای سرکوبگر سپاهی و بسیجی برخوردار است، اکنون به آدمکشان حشد الشعبی و دیگر مزدوران اسلامی جیره خوار خود متوسل شده است؟ اینکه آدمکشان بسیج و سپاه پاسداران، طی چهل سال بازوی اصلی و کلیدی جمهوری اسلامی در سرکوب و کشتار توده های مردم ایران بوده اند، هیچ تردیدی در آن نیست. اینکه نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی زبده ترین نیروهای شکنجه و کشتار در سطح منطقه و جهان هستند، باز هم هیچ تردیدی در آن نیست. با این همه و با وجود این حقیقت محض، شرایطی که اکنون توده های مردم ایران در آن بسر می برند و نیز وضعیتی

که اکنون بر نیروهای درونی نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی سایه افکنده است، در مقایسه با سال های دهه ۶۰ متفاوت است. اگر در سال های دهه شصت تک تک عناصر بسیج و سپاه پاسداران با انگیزه های اسلامی و ایدئولوژیک بدون کمترین تردید و تزلزلی به سرکوب گسترده مردم روی می آوردند، اکنون اما با برملا شدن غارت و چپاول ثروت های مملکت به دست حاکمان اسلامی، رانت خواری و فساد نهادینه شده در ارکان حکومت، بر سر زبان افتادن دزدی های کلان مسئولان رژیم، از خامنه ای گرفته تا رئیس قوه قضاییه، از مجلس ارتجاع گرفته تا وزرا و نهادهای اجرایی، از فرماندهان بسیج گرفته تا گستره وسیعی از فرماندهان ریز و درشت سپاه پاسداران، جملگی شرایط متزلزل و شکننده ای را دست کم در باور اعتقادی عناصر بنده این دو ارگان سرکوبگر ایجاد کرده اند. وضعیتی که تا حدودی شرایط امروزی جمهوری اسلامی را با سال های دهه ۶۰ متفاوت کرده است. این همان نکته ای است که موسی غضنفر آبادی، رئیس دادگاه انقلاب تهران با نگرانی از وضعیت موجود آن را بر زبان آورده است.

پوشیده نیست اکنون، بخشی از ناراضیان حکومتی همان یاران دور و نزدیک نیروهای بسیج و سپاه هستند. عناصری که طی دو دهه گذشته دچار تردید شده اند، ریزش کرده اند و بعضاً خود به منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. بی دلیل نیست که در سال های اخیر در هر شهر و استانی که اعتراضات وسیع مردمی شکل گرفته است، جمهوری اسلامی برای سرکوب آنان از نیروهای بسیج و سپاهی غیر بومی استفاده می کند. اقدام به این امر، به نیروهای سرکوبگر کمک می کند تا از بار روانی شناسایی و رو در رو شدن با مردم همشهری، خویشاوند و یاران دیروز خود در امان باشند و بدون نگرانی از چشم در چشم شدن با هر آشنایی بی محابا بر جسم و جان توده های معترض در مناطق غیر بومی ضربه وارد کنند و در صورت لزوم بی تزلزل درونی به فرمان هر فرمانده جنایتکاری تن در دهند و به روی مردم بی دفاع سلاح بر کشند. این امر، اما برای جیره خواران و شبه نظامیان مزدور که از کشور های همجوار به مناطق سیل زده گسیل شده اند، بکلی متفاوت است. برای تروریست های حشد الشعبی، گله های حزب الله لبنان، مزدبگیران فاطمیون افغانستان و اجیرشدگان زینبیون پاکستان که پیش از این در عراق و سوریه آدمکشی کرده اند، عموم توده های مردم ایران در هر شهر و استانی که باشد، مردمی غریب و بیگانه هستند. استفاده از این مزدوران اسلامی برای سرکوب توده ها، این مزیت را برای سرکوبگران جمهوری اسلامی دارد که نگران تردید و تزلزل آنان در سرکوب و کشتار مردم ایران نباشند.

به رغم حضور شبه نظامیان خارجی در مناطق سیل زده و یکه تازی قاسم سلیمانی در خوزستان، آنچه در این روزها بیش از هر چیز چشمگیر است، بی عملی و به حاشیه رفتن کابینه روحانی در امور مربوط به سیل زدگان است. با توجیه حوادث موجود، اینطور به نظر می رسد که حسن روحانی و کابینه اش برای پرهیز از هرگونه برچسب مخالفت خوانی با سپاه

از صفحه ۷

## گسیل مزدوران اسلامی برای سرکوب توده های

پاسداران، سیاست سکوت را پیشه کرده است. این انفعال، خصوصا در مقابل یکه تازی های قاسم سلیمانی که از دو هفته پیش نام او همسان ابوبکر البغدادی رهبر حکومت اسلامی داعش در لیست تروریستی دولت آمریکا قرار گرفته است، به نوعی می تواند یک واکنش حمایتی با اقدام اخیر ترامپ در گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی تلقی گردد. سکوت و حمایتی که موقت بوده و دیر یا زود به یک اختلاف درونی منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، هیات حاکمه ایران با کشتادن پای شبه نظامیان حشد شعبی و دیگر مزدوران اسلامی به مناطق سیل زده یک اقدام دو منظوره را دنبال کرده است. نخست، تست روانی گسیل شبه نظامیان تروریست خارجی به ایران برای سرکوب توده های معترض و دوم، مقابله با فضای عدم همکاری جریانات برون مرزی و کشورهای همسایه با سپاه پاسداران که اکنون نام این ارگان نظامی جمهوری اسلامی در لیست سازمان های تروریستی آمریکا قرار گرفته است.

با این همه و به رغم حمایت همه جانبه طبقه حاکم از گسیل نیروهای تروریست خارجی به مناطق سیل زده، واکنش توده های مردم ایران اما واکنشی خشمگینانه بوده است. واکنش اعتراضی توده های سیل زده، موضع گیری سازمان های سیاسی و سرعت عمل شبکه های اجتماعی در مقابله با حضور این مزدوران اسلامی و جانبانی همچون ابومهدی، جانشین فرمانده حشد شعبی عراق که این روزها دوشا دوش قاسم سلیمانی در خوزستان پر سه می زند و بعضا در مساجد شهرهای خوزستان برای گله های حزب اللهی سخنرانی می کند، تمام محاسبات جمهوری اسلامی را به شکست کشانیده است. غلامرضا شریعتی، استاندار خوزستان در واکنش به اعتراضات مردمی با دروغ بافی مجبور به انکار حضور این مزدوران در مناطق سیل زده شده است. شریعتی طی یک مصاحبه به وبسایت جماران گفته است، حضور شبه نظامیان شیعه عراق، "تنها به واسطه نیاز به تجهیزات سنگین آنها بوده است... هیچ نیروی انسانی به کشور نیامده، بلکه مسئولین نیروهای عراقی به همراه ماشین آلات خود به کشور آمده و تشریف هم بردند."

در واقع، در پی گسترش اعتراضات توده ای در مناطق سیل زده، موضع گیری سازمان های سیاسی و گسترش اقدامات افشاگرانه شبکه های اجتماعی، اولین اقدام فضاخوت بار جمهوری اسلامی در گسیل نیروهای مزدور خارجی برای سرکوب اعتراضات آوارگان سیل زده با شکست مواجه شد. شکستی که چه بسا در روزهای پیش رو با وخیم تر شدن شرایط زندگی آوارگان سیل زده و گسترش اعتراضات آنان به شکل گیری یک بحران تازه در درون هیئت حاکمه منجر گردد.

## اول ماه مه روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است

### کارگران!

شادباش های ما را به مناسبت اول ماه مه بپذیرید!

در آستانه یازده اردیبهشت و اول ماه مه قرار داریم! روز همبستگی جهانی کارگران! روزی که کارگران جهان رودرروی سرمایه داران و قوای سرکوبشان به خیابان می آیند و سرنگونی حاکمیت سرمایه را نوید می دهند. روز مبارزه و چارمجویی طبقه کارگر در تمام جهان برای خلاصی از استثمار و بحران های کمر شکن سرمایه داری، روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است. سالی که گذشت در بعد جهانی سال تعمیق بحران های مزمن سرمایه و بن بست راهکارهای سرمایه دارانه و در رأس آن ها سیاست های نئولیبرالی و گسترش عمق و دامنه شکاف های طبقاتی و در عوض سال رشد اعتراضات اجتماعی در سطح بین المللی بود. در این سال، استثمار باز هم شدت گرفت و فقر عمومیت بیشتری یافت.

سالی که گذشت اما برای کارگران ایران در کنار فقر و سرکوب همبستگی یک نکته درخشان داشت؛ زیرا که از قدرت سیاسی سخن گفتند و خط قرمزها و قوانین حکومت سرمایه داران را زیر پا نهادند. آن ها از روی نعلن اصلاح طلبی و اصول گرایی گذشتند و در کنار "نان، کار، آزادی، از «زندگی شورایی» از تشکل شورایی و از «اداره شورایی» سخن گفتند! بیهوده نیست که سرمایه داران بر خود می لرزند! و همه سرها به سوی طبقه کارگر برگشته است!

### کارگران مبارز! رفقا!

شما از طلایه های یک انقلاب سخن گفته اید. شما توانسته اید در مبارزه جاری طبقاتی جایگاه خود را نشان دهید. از این رو جوانان و دانشجویان با افتخار فریاد می زنند: «فرزند کارگرانیم». کمتر اعتراضی است که توسط مردم زحمتکش صورت گیرد و حمایت خود از کارگران را نشان ندهد. این ها و صدها نمونه دیگر همراه با اعتصابات و اعتراضات بی وقفه در سال گذشته نشان می دهند که طبقه کارگر برای رهبری مبارزات اجتماعی بر علیه سرمایه و برای انقلاب رفته رفته مهیا می شود. هزینه هایی که در اشکال دستگیری و سرکوب و کنترل می پردازیم بهای این موقعیت پیش رونده است. همه شواهد دال بر آن است که ما به عنوان بخش های مختلف مبارزه یکپارچه اردوی کار در مقابل سرمایه و متعلق به کمپ کارگر و سوسیالیسم در ایران، جز انقلاب و پیروزی به رهبری کارگران راه دیگری نداریم. فقر دامن گیر و سفره های خالی، کودکان گرسنه، زنانی اسیر تبعیض و بازنشستگی رها شده در فقر و مسکن، ترس از بیکاری در کشوری که به زور سر نیزه و خفقان اداره می شود. در کشوری که میلیون ها بیکار و کودک خیابانی وجود دارد و زندان ها پر است از زنان و مردان کارگر و آزادیخواه. در کشوری که حقوق کارگر چندین برابر زیر خط فقر و حتی فلاکت است و سرمایه داران هر سال تحت عنوان حداقل مزد، به ارزش واقعی آن دستبرد می زنند. جایی که زنان کارگر، به مثابه انسان درجه دوم علاوه بر شدت استثمار وسیعاً زیر بار ستم مضاعف تباہ می شوند! در کشوری که هر گونه اعتراض و مطالبه کارگری و آزادی خواهانه با زندان و شکنجه و مرگ مشکوک پاسخ می گیرد. در جایی که حاکمیت سرمایه داران تلاش می کند رهبر کارگری مثل اسماعیل بخشی را به جرم دفاع از کارگر همچون صدها فعال اجتماعی زندانی و اادار به اعتراف اجباری کند. در کشوری که تشکل مستقل جرم محسوب می شود. در کشوری که در فساد و رشوه خواری غرق است و حکومتش نه تنها در مقابل بلایای طبیعی چاره اندیشی و پیشگیری نمی کند بلکه خود با عملکرد سودمحور در خدمت منافع سرمایه داران سرگرم تخریب محیط زیست و از عوامل تشدید خسارات این اتفاقات طبیعی است. اتفاقاتی که بیش از همه کارگران و زحمتکشان را آماج خانه خرابی و بی پناهی قرار می دهد! در کشوری که خفقان و دیکتاتوری سابقه ای مزمن و نهادینه شده دارد و هیچ نیرویی به جز طبقه کارگر قادر به تأمین آزادی و برابری نیست! در چنین شرایطی، راهی جز پیروزی و به دست گرفتن اداره جامعه توسط کارگران و زحمتکشان متشکل در شوراهای وجود ندارد و ما برای تغییر اوضاع فلاکت بار خود باید کمبودهایمان را بشناسیم و رفعشان کنیم. سازمان دهی و سازمان یابی در ابعاد مخفی و علنی و آمادگی برای تشکل سراسری و وحدت عمل بر بستر هزاران اعتراض کارگری که این جا و آن جا سازمان می گیرد از هر چیز برای ما حیاتی تر است. ما در کنار اعتراضات روزمره باید بتوانیم مبارزات و اعتصابات سراسری را سازمان دهیم و مهبای رهبری اعتراضات و مبارزات علیه حکومت و مناسبات سرمایه داری شویم، اگر نه سرکوب و ادبار و فقر ما را رها نمی کند. ما گام های بزرگی برداشته ایم اما نبرد نهایی از ما چیزی کمتر از پیشروی مداوم در امر سازمان یابی نمی پذیرد. ایجاد و گسترش تشکل های کارگری و حفظ استقلال طبقاتی و ارتباط و پشتیبانی متقابل با رفقای کارگران در سطح جهان تنها ضامن پیروزی ما است. زنده باد همبستگی علیه سرمایه داری و برای آزادی و حاکمیت بر سر نوشت خویش!

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران بر علیه سرمایه

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



## طبقه کارگر، سیلی که خرابی به بار آورد و سیلی که باید آباد کند



ایفا کرد. این "ستاد" با انتشار اطلاعاتی در ۲۳ فروردین ۹۸، ضمن یادآوری وظیفه نهادهای دولتی در قبال سیل و عواقب آن، از بی‌تفاوتی این نهادها انتقاد کرد. "ستاد همیاری فرهنگیان ایران در حمایت از سیل‌زدگان" که به یاری و ابتکار عمل کانون‌ها و تشکل‌های صنفی معلمان ایجاد شد، با ایجاد گروه‌ها و شوراهای مردمی در چندین شهر، توانست جمع‌آوری کمک‌های مردمی را سازماندهی کند. همچنین با تشکیل کمپ‌های متعدد در مناطق سیل‌زده، توزیع موفقیت‌آمیز این کمک‌ها را سازمان داد و نقش بسیار موثر و ارزنده‌ای در امر کمک‌رسانی به سیل‌زدگان بویژه در مناطق روستایی ایفا کرد.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها باری از دوش مردم برداشت، بلکه سرکوب‌گران خود را نیز وارد صحنه کرد. کمیته‌های امداد رسانی مردمی، بویژه در مناطق جنوبی و غرب کشور، از جمله در "شعبیه"، "ملاشیه" و "حمیدیه" مورد یورش اوباشان و جیرمخواران رژیم قرار گرفت. ده‌ها تن از جوانان و امداد رسانی که ابتکار عمل کمک‌رسانی مستقل را بدست گرفته بودند، بازداشت و روانه زندان شدند.

سیل خانه‌های مردم را تخریب کرد. صدها هزار خانه را غیرقابل سکونت ساخت. تلفات جانی بر جای گذاشت. هزاران کارگر را بیکار ساخت و ده‌ها هزار تن را آواره و از هستی ساقط کرد. درد و رنج و اندوه ناشی از این حادثه دلخراش، تمام فضای جامعه را به تسخیر خود درآورد. رژیم سرکوبگر و تماشاجی جمهوری اسلامی نیز آنچه را که سیل نمی‌توانست انجام دهد به انجام رساند و به سرکوب قهری مردم ناراضی و معترض و گروه‌های امداد رسانی مردمی دست زد. این صحنه‌ها هرگز از خاطره مردم زوده نخواهد شد.

سیل اما در همان حال که خرابی‌های زیادی بیار آورد، بار دیگر پیشتازی طبقه کارگر و همیاری و همکاری و اتحاد مردم زحمتکش در برابر رژیم ضد مردمی حاکم را رقم زد. درست از درون غم و اندوه و خسارت، شادی عمیقی از بطن همیاری و همکاری‌ها و اتحاد توده‌های مردم در برابر دشمنی واحد پدید آمد و چه امیدهایی که بر شاخسار درختان شکسته و جابجا شده با سیل جوانه زد! امیدهای بشارت دهنده اتحادهای محکم‌تر فردا. اتحادهای برپاکننده سیل طوفان‌زا. سیلی که می‌رود و داغان می‌کند تا بسازد و آباد کند و بدین سان سیلی که خرابی بیار آورد، بشارت دهنده سیلی شد که باید آباد کند. سیلی که پیشقراول‌اش طبقه کارگر است.

"داغاله" پرداختند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز با انتشار بیانیه‌ای ضمن ابراز همدردی با سیل‌زدگان، سیاست‌های رژیم و بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی حاکمان را افشا کرد. کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و سندیکای مبارز آن‌ها نیز در زمره پیشگامان حمایت از سیل‌زدگان بود. سندیکای کارگران هفت‌تپه ۱۸ فروردین فراخوانی در حمایت از سیل‌زدگان صادر کرد. در این فراخوان ضمن اشاره به بی‌اعتمادی بجای مردم نسبت به دولت و نهادهای وابسته به آن، بر ادامه حمایت مستقل کارگران خوزستان از سیل‌زدگان تاکید شده و چنین آمده است: "لازم است کارگران هفت‌تپه، کاغذ پارس هفت‌تپه، حریر پارس هفت‌تپه، کشت و صنعت میان‌آب هفت‌تپه، شرکت شیر پگاه خوزستان در شوش و... دیگر مراکز کارگری و همچنین دیگر کارگران و زحمتکشان، همچنان که تاکنون سیل‌زدگان را مورد حمایت همه جانبه قرار داده‌اند، همچنان به حمایت‌های بی‌دریغ خود ادامه دهند".

سندیکای کارگران هفت‌تپه همچنین بر اتحاد سراسری و مشارکت کارگران در یاری‌رسانی به سیل‌زدگان تاکید نمود و نوشت: "اگرچه کارگران و خانواده‌های کارگری خود با فقر و نداری دست و پنجه نرم می‌کنند، اما واقعیت این است که ما کارگران و مردم زحمتکش دادرسی نداریم. پس باید با اتکاء به خانواده بزرگ کارگری در بعد سراسری، کمک حال خود باشیم و با همت و فداکاری بیشتر از گذشته، هر آنچه را که در توان داریم، در اختیار سیل‌زدگان بگذاریم".

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در اطلاعیه دیگری ضمن ابراز همدردی با خانواده‌هایی که سیل از میان آن‌ها قربانی گرفت، به علل خرابی‌های گسترده سیل از جمله به سودپرستی صاحبان قدرت اشاره نموده و بر اتحاد و همیاری توده‌های مردم انگشت نهاده و چنین نوشت: "دوباره این مردم با شعور و دردکشیده بودند که به یاری هم نوعان خود شتافتند و با حداقل‌ها، یاری‌رسان و کمک حال سیل‌زدگان شدند. درود بر شما مردم با شعور که دوباره نشان دادید که ما باید به فکر خود باشیم چرا که "جنگل‌خواران" و "زمین‌خواران" و "رانت‌خواران" و "ژن‌های فساد و تباهی" نه تنها به فکر ما نیستند بلکه خود از عاملان این مصیبت‌ها بوده‌اند و هستند".

علاوه بر این، سندیکای کارگران هفت‌تپه با صدور اطلاعیه‌ای جلو سوءاستفاده افراد منفعت پرست و مشکوکی که با اعلام شماره حساب به نام سندیکا، قصد کلاهبرداری داشتند را گرفت و در اطلاعیه دیگری پیش از آن‌که سیل به اهواز رسیده باشد، خطر جاری شدن سیل در این شهر را و نگرانی خانواده‌های زندانیانی که در زندان‌های اهواز نگهداری می‌شوند هشدار و انعکاس داد و بار دیگر خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و سایر زندانیان شد. بعد از کارگران و فعالان کارگری، "ستاد همیاری فرهنگیان ایران در حمایت از سیل‌زدگان" بود که نقش مهمی در امداد رسانی

دستور کار قرار می‌گیرد". اعطای تسهیلات در دستور کار قرار می‌گیرد! چه تسهیلاتی، کی و چگونه؟ معلوم نیست! اما در عوض معاون وزیر کار، محمد جعفر کبیری مزده داده است ۲ هزار فقره وام ۵ میلیون تومانی برای سیل‌زدگان مد نظر قرار گرفته است!

شرم‌آور است، دولتی که صدها میلیاردها تومان از جیب مردم صرف سپاه و بسیج و نهادهای مذهبی و آخوندهای حکومتی می‌کند، رژیمی که ده‌ها میلیارد دلار را در سوریه و لبنان و عراق و یمن به گروه‌های اسلامی و ارتجاعی امثال حزب‌الله، جهاد اسلامی، حشد الشعبی، فاطمیون و امثال آن اعطا می‌کند، حاضر نیست به مردمی که سیل دارو و نادرشان را با خود برده و هستی‌شان را به خطر افکند است، یاری کند، حاضر نیست به یاری کارگرانی که خود آفریننده همه ثروت‌ها هستند و سیل راه معیشت فقیرانه‌شان را مسدود ساخته است برخیزد و از جیب خود آن‌ها برای‌شان هزینه کند. بیهود نبود و بیهوده نیست که حضور پر تاخیر و نمایشی برخی مقامات حکومتی در مناطق سیل‌زده با نفرت و انزجار و خشم شدید سیل‌زدگان روبرو شده و روبرو می‌شود. خشم و کینه‌ای که دیر یا زود همه‌گیر و شعله‌ور خواهد شد و تمام نظم ستمگرانه موجود را در آتش خود خاکستر خواهد کرد.

در برابر بی‌تفاوتی‌ها و بی‌اعتنایی‌های رژیم، توده مردم اما مثل همیشه باز هم خوش درخشیدند، به یاری هم شتافتند و نمونه‌های غرور انگیزی از همکاری و همیاری و اتحاد را به نمایش گذاشتند.

صف مقدم این همیاری‌ها و امداد رسانی‌ها به کارگران اختصاص داشت. از همان نخستین روزهای جاری شدن سیل، کارگران آگاه و مبارز هپکو، آستین‌ها را بالا زدند و در قالب گروه‌های ۳۰ نفره، به یاری سیل‌زدگان شتافتند. هپکو که پیش از این نیز در زلزله کرمانشاه و سرپل‌ذهاب، به یاری زلزله‌زدگان شتافته بود، این بار نیز پیشگام و پیشقدم بود. از جمله کمک‌های فنی و موثر و مفید کارگران هپکو می‌توان از تعمیر ماشین‌های سنگین مورد استفاده در سیل، تعمیر لوازم منازل، تهیه و ارسال پمپ برای تخلیه گل و لای منازل و امثال آن نام برد. خبرهای انتشار یافته در هفته آخر فروردین ماه ۹۸ حاکی از آن است که دست کم ۳۰۰ کارگر هپکو در این کمک رسانی مشارکت داشته یا برای امداد رسانی اعلام آمادگی نموده‌اند.

گروه‌های مختلف کارگران خوزستان، تشکل‌ها و فعالان کارگری، مستقل از این‌که خود در زمره آسیب‌دیدگان سیل بودند یا نه، به یاری سیل‌زدگان شتافتند. کارگران و کارکنان فولاد خوزستان و کارگران پیشرو این واحد، در همیاری و امداد رسانی مستقل به سیل‌زدگان مشارکت فعال داشتند و به تهیه و توزیع آب معدنی، برنج، خشکبار، چراغ، کلمن آب و غذا در میان مردم منطقه سیل‌زده از جمله در "حمیدیه" و

## افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان و بازنشستگان توهین آشکار حاکمیت به زحمتکشان جامعه است



"اصلاح ساختار بودجه" سخن گفت. وی با این توجیه مضحک که اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی به ۲۵ کالای اساسی باعث "ارانت" می‌شود، از برنامه کابینه روحانی برای اختصاص ارز نیمایی به جای ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی پرده برداشت. وی گفت: "برای نمونه گوشت قرمز از جمله اقلامی است که برای واردات، ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت می‌شود. اما شاهد بودیم که قیمت گوشت به دلیل خروج دام و نبود نظارت کافی کاهش نیافت و مردم از پرداخت یارانه بهره‌ای نبردند". نکته جالب توجه این است که ۲۵ فروردین علی اکبر کریمی نماینده مجلس اسلامی نیز از بحث‌هایی در این رابطه در جریان بررسی بودجه ۹۸ در درون مجلس پرده برداشت. به‌گفته‌ی وی تأمین کالاهای اساسی با ارز نیمایی پیش از این در مجلس مطرح شده بود. وی گفت: "اقتصاددانان مجلس معتقد بودند باید ارز با نرخ نیمایی به واردات کالاهای اساسی اختصاص یابد".

اولین نتیجه سخنان نوبخت قطع فروش گوشت تنظیم بازاری و اعلام فروش گوشت با ارز نیمایی از اول اردیبهشت در فروشگاه‌های زنجیره‌ای است. براساس گزارش سایت صراط نیوز، قیمت هر کیلو ران گوسفندی وارداتی که با ارز نیمایی وارد شده و در فروشگاه‌های زنجیره ای از اول اردیبهشت توزیع خواهد شد ۹۹ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شده و ران گوسفندی تولید داخل ۱۳۴ هزار تومان!!! طبیعی‌ست که بزودی برای سایر کالاهای اساسی نیز توده‌ها با همین معضل روبرو خواهند شد. اما هدف واقعی جمهوری اسلامی از این کار، نه رساندن "ارانت" ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست توده‌ها بلکه کاهش معضلات مالی حکومت است.

واقعیت این است که در آینده بسیار نزدیک اساساً چشم‌اندازی برای ارائه ارزی به نام ارز نیمایی از سوی صادرکنندگان وجود نخواهد داشت. جدا از معضلاتی که بر سر راه صادرات ایران با توجه به قراردادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی توسط دولت آمریکا و تشدید تحریم‌ها از دوم ماه مه وجود دارد و صادرات را بسیار محدودتر خواهد کرد، براساس قانون جدیدی که توسط هیات وزیران به تصویب رسیده، به صادرکنندگان اجازه داده شده است تا به جای وارد کردن ارز صادراتی به کشور، کالا وارد کنند و این هر دو عامل در مجموع باعث می‌شوند تا عملاً ارزی به عنوان ارز نیمایی برای ارائه از سوی سرمایه‌داران وجود نداشته باشد، تنها می‌ماند دولت به عنوان بزرگترین دارنده ارزهای خارجی.

دولت نیز با فروش ارز در سامانه نیما، عملاً هر دلار را حداقل دو برابر می‌فروشد و به خزانه می‌ریزد. بدین ترتیب مبلغ ریالی ۱۴ میلیارد دلاری که قرار بود به بهای هر دلار ۴۲۰۰ تومان به خزانه واریز شود دو

آنچنان افسار گسست که تمام این ۱۸ درصد افزایش در همین یک ماه بر باد رفت و بازنشستگان و معلمان و پرستاران و دیگر زحمتکشان حقوق‌بگیر مانده‌اند تا با یازده ماه دیگر سال چه کنند!!!!

اما این تنها کارکنان دولت و بازنشستگان نیستند که به فقر و گرسنگی محکوم شده‌اند، کارگران ایران نیز که بزرگترین طبقه و گروه اجتماعی در ایران هستند وضعیتی مشابه و حتی بدتر از کارکنان دولت دارند و متوسط دریافتی کارگران از کارکنان دولت نیز بسیار کمتر است.

در این میان سیاست‌های دولت نیز بر تشدید وخامت وضعیت معیشتی توده‌ها بسیار اثرگذار بوده است. یکی از این سیاست‌ها تغییر در نرخ دلار کالاهای اساسی است که حتی برخلاف بودجه مصوب سال ۹۸ است. ۲۰ فروردین، نوبخت معاون روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در محل این سازمان از برنامه‌ای برای

آن‌ها در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تورم سرسام‌آور سال گذشته، قدرت خرید معلمان، بازنشستگان، کارکنان بیمارستان‌ها و دیگر زحمتکشانی را که از دولت حقوق می‌گیرند اما با کار مفید خود در خدمت جامعه قرار دارند، به کمتر از نصف تقلیل داد. اما به رغم این مساله، جمهوری اسلامی همچنان بر گرسنه نگاه داشتن آن‌ها تأکید می‌ورزد. افزایش ۱۸ درصدی حقوق‌ها در حالی‌ست که حتی نرخ تورم رسمی نیز بسیار فراتر از آن است.

اما این تنها یک جنبه از واقعیت زندگی بازنشستگان و معلمان و دیگر حقوق‌بگیران زحمتکش جامعه است. تورم سالجاری که پیش‌بینی می‌شود حتی از سال گذشته نیز افسارگسیخته‌تر شود، دیگر معضل بزرگ آن‌هاست. معضلی که در همین ماه فروردین و قبل از آن‌که حتی این ۱۸ درصد افزایش حقوق را دریافت کنند، خود را کاملاً آشکار ساخت. در ماه فروردین افزایش قیمت کالاها

## افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان و بازنشستگان توهین آشکار حاکمیت به زحمتکشان جامعه است

برابر شده و دولت از این بابت مابه تفاوتی حدود ۶۰ تریلیون تومان (۶۰ هزار میلیارد تومان) از جیب مردم دزدیده و به جیب خود سرآزیر می‌کند.

در یک کلام، به‌رغم این‌که نرخ تورم واقعی از رقم ۵/۴۷ درصدی تورم رسماً اعلام شده اسفند ماه از سوی مرکز آمار نیز فراتر است، دولت تنها ۱۸ درصد به حقوق بازنشستگان، معلمان و دیگر زحمتکشان حقوق‌بگیر همچون پرستاران افزود، همان کاری که در واقع با کارگران کرد. از سوی دیگر از جیب همین مردم با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی می‌خواهد ۶۰ تریلیون تومان که بیش از کل مبلغ یارانه نقدی است بزدد. بنابراین تنها نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که جمهوری اسلامی می‌خواهد تمام بار بحران اقتصادی رکود - تورمی، شکست سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و تمامی تبعاتی را که شکست این سیاست‌ها به همراه آورده، بر دوش کارگران و زحمتکشان آوار سازد.

در این میان خسارات سیل و هجوم ملخ‌های دریایی شرایط را بیش از پیش بحرانی ساخته و انتظار می‌رود که توده‌ها بویژه با گرانی سرسام‌آور محصولات کشاورزی و دیگر کالاهای خوراکی در هفته‌های آینده روبرو شوند. در اینجا اما یک سوال مهم باقی می‌ماند و آن چه باید کرد است؟ این‌که برای خروج از این بن‌بست که هر سال بدتر از سال قبل می‌شود چه راهی در برابر بازنشستگان، معلمان و دیگر زحمتکشان حقوق‌بگیر جامعه وجود دارد؟

در طول سال گذشته ما شاهد افزایش اعتراضات بازنشستگان و معلمان بودیم. اگرچه این اعتراضات، تاکنون نتیجه‌ای را که باید به‌همراه می‌آورد به همراه نیاورده است، اما این اعتراضات تجارب گران‌بهایی به همراه آوردند که می‌باید از این تجارب بهره‌کافی برد.

یکی از مهم‌ترین درس‌های مبارزات گذشته و وضعیت امروز این است که حق گرفتنیست نه دادنی. از دیگر تجارب گرانتقد مبارزات سال گذشته، ضرورت اتحاد کارگران و زحمتکشان است. تجربه‌ای که در شعارهای بازنشستگان، معلمان، کارگران و دانشجویان خود را بارها نشان داد. تجربه دیگر ضرورت داشتن تشکلهای مستقل است، تشکلهایی که بتوانند به‌طور واقعی مبارزات را راهبری کرده و تبلور

## تعرفه‌های جدید و معضل هزینه‌های سنگین دارو و درمان

بیماران خاص بوده است. همراه با تحریم‌ها این معضل بسیار جدی شده است. در ماه‌های اخیر، بهای برخی داروها به دو تا سه برابر افزایش یافته است. هزینه داروهای بیماران کلیوی و سرطانی ۳۰۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. این داروها اغلب نیز یافت نمی‌شوند. برخی داروها در مراکز رسمی یافت نمی‌شود اما در ناصرخسرو پیدا می‌شود. با این وجود وزیر بهداشت می‌گوید: در زمینه کمبود دارو فعلاً مشکل حادی نداریم. شاید ۴۰ قلم مشکل داشته باشیم.

مدیرکل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو وزارت بهداشت می‌گوید: ۹۷ درصد داروی کشور در داخل تولید می‌شود. اگر ۹۷ درصد دارو در داخل تولید می‌شود، پس مشکل در کجاست؟ صنعت داروسازی در اختیار بخش خصوصی و شبه دولتی‌هاست. آن‌ها در این میان نقش بازی می‌کنند و بهای داروها را افزایش می‌دهند.

معضل گرانی و کمیابی داروها همچون درمان یک معضل لاینحل برای مردم ایران است. جمهوری اسلامی نه‌فقط راه‌حلی برای این معضل ندارد، بلکه با خصوصی‌سازی‌ها و سیاست نئولیبرال اقتصادی مدام آن را تشدید کرده است. مسئله بهداشت و درمان با زندگی و سلامت مردم ایران مرتبط است. راحل مسئله کوتاه کردن دست سرمایه‌داران خصوصی و برقراری بهداشت و درمان رایگان است. مشکل زمانی حل خواهد شد که تمام زحمتکشان از امکانات بهداشتی، پزشکی، درمانی و دارویی رایگان برخوردار باشند. تحقق این خواست توده‌های زحمتکش، سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی را می‌طلبد.

در طول اجرای طرح تحول سلامت و افزایش تعرفه خدمات درمانی حدود ۲۴۵ درصد رشد داشته است همچنین آمارها نشان می‌دهد دستمزد پزشکان در سال ۱۳۹۲ حدود ۵۸۷ میلیارد تومان بوده است که این رقم در سال ۱۳۹۵ نیز این دستمزدها به ۲ هزار و ۵۲۸ میلیارد تومان رسیده است!

در سال ۱۳۹۲ از ۲۱۱۵ میلیارد تومان هزینه بستری سازمان بیمه سلامت حدود ۲۷ درصد هزینه‌ها سهم دستمزد پزشکان بود؛ در سال ۱۳۹۵ نیز، از ۷۳۱۷ میلیارد تومان هزینه بستری سازمان بیمه سلامت حدود ۳۴ درصد هزینه‌ها سهم دستمزد پزشکان شد؛ به‌طورکلی باوجود آنکه هزینه بستری سازمان بیمه سلامت در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ حدود ۲۴۵ درصد رشد داشته است اما دستمزد پزشکان حدود ۳۳۰ درصد چیزی در حدود ۸۵ درصد بیشتر از کل هزینه‌های سازمان در بخش بستری افزایش داشته است.

سه برابر شدن تعرفه‌ها، عامل اصلی شکست طرح تحول در کاهش هزینه‌های مردم و ورشکستگی بیمه‌های درمان بوده است؛ طرحی که در ابتدا به نام مردم آغاز شد، در ادامه باعث افزایش نجومی دریاقتی پزشکان شد.

البته تعرفه‌های اعلام‌شده دولتی با تبصره‌هایی دست پزشکان و مراکز درمانی را در افزایش تعرفه‌ها باز گذاشته است. مطابق تبصره ۳، پزشکان عمومی باسابقه بیش از پانزده سال کار بالینی، مجاز به دریافت معادل پانزده درصد (۱۵٪) علاوه بر تعرفه مصوب می‌باشند.

دارو و هزینه‌های بالای آن نیز همواره یک معضل جدی برای مردم ایران، به‌ویژه

خواست و اراده واقعی معلمان، یا بازنشستگان و غیره بوده و بتوانند به همین دلیل اکثریت بزرگ آن‌ها را گرد آورند. تجربه سال گذشته همچنین نشان داد که هر گونه امید بستن به بهبود اوضاع در چهارچوب نظم موجود، انتظاری عبث است و معلمان و بازنشستگان آن‌هایی را که سعی می‌کنند به این توهامات دامن بزنند در عمل و نظر منزوی کرده و مانع تاثیرگذاری آن‌ها در حرکت‌های جمعی شوند.

بازنشستگان و معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه حق دارند که از یک زندگی انسانی برخوردار باشند. معیشت مناسب، مسکن

مناسب، بهداشت و درمان مناسب، تفریحات مناسب، امکان تحصیل مناسب فرزندان، تامین اجتماعی از گهواره تا گور. این‌ها همه بدیهی‌ترین نیازهای یک انسان هستند که اکثریت بسیار بزرگ جامعه از جمله بازنشستگان و معلمان از آن محروم شده‌اند. کارگران در سال گذشته با برافراشتن پرچم اداره شورایی، راه را به دیگر زحمتکشان جامعه نشان دادند. برقراری حکومت شورایی تنها راه واقعی برای پایان دادن به تمام مصیبت‌هاییست که نظام سرمایه‌داری و حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران به بار آورده است.

## افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان و بازنشستگان توهین آشکار حاکمیت به زحمتکشان جامعه است



کابینه حسن روحانی در جلسه ۲۸ فروردین میزان افزایش حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان را اعلام کرد. براساس تصمیم کابینه، حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان در سال ۹۸ نسبت به سال گذشته ۱۸ درصد افزایش می‌یابد، به طوری که افزایش حقوق و مستمری از ۴۴۰ هزار تومان کمتر نباشد. همچنین حداقل حقوق کارکنان دولت یک میلیون و پانصد و ۶۳ هزار تومان و حداقل حقوق بازنشستگان یک میلیون و پانصد و ۷۸ هزار تومان تعیین گردید. تصمیم کابینه حسن روحانی توهین آشکار به بازنشستگان، معلمان و دیگر کارکنان زحمتکش دولت است. بازنشستگان و معلمان که در طول سال گذشته بارها به وضعیت معیشتی خود اعتراض کرده و خواستار تعیین حقوقی بالاتر از خط فقر شده بودند. اما جمهوری اسلامی با این تصمیم، آن‌ها را به فقر بیشتر و گرسنگی محکوم کرد.

افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان و بازنشستگان در حالیست که حتا براساس گفته‌های مقامات حکومتی اکثریت بسیار بزرگ

در صفحه ۱۰

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 818 April 2019



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر  
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org> ، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی